



فرید سیاوش

"تا فردایت را مشخص نکردی، امروز حرکت نکن"، " برای به دست آوردن فردای چین، ایدئولوگ ها باید کنار بروند" اینها بخش هایی از تفکرات "ژیاثوپینگ" بود که توانست اقتصاد چین را از مرزهای ایدئولوژیک برهاند و به جایگاه امروز برساند. روسیه با گلاسنوست و پروستریکا و نقد سیاست های گذشته، مسیر جدید برگزید و مقتدر تر شد.

و اما؛ خطوط درشت چه باید کرد ما چیست؟!

ما در شرایطی قرار نداریم که گزینه های بیشتر و بهتر در برابر خود داشته باشیم و یا حق انتخاب داشته باشیم. سرمایه با همه قوت و قدرت خود در کشور ما حضور مسلحانه یافته است. در کشوری که در آن عقب مانی و فقر بیداد میکند؛ و از دولت -ملت خبری نیست. لازم است تا خردمندان و عقلانی با مشکل کشور خود مان برخورد کرده و از این فرصت برای نجات و ساختن وطن استفاده کنیم. ما برای ماشینی شدن و عصری شدن سیستم زراعتی خود به سرمایه بزرگ و تکنالوژی پیشرفته ضرورت داریم؛ برای زیر ساخت های کلان اقتصادی کشور به سرمایه ضرورت است از کجا تامین کنیم. ملت- دولت کاردان، سرمایه و سرمایه داری هند و برازیل را به غول های اقتصادی تبدیل کرد. وقتی روسیه و چین از برگشت به سرمایه داری شرم و ترس نداشتند؛ ما که در زیر خط فقر جان میکنیم، چرا از ترک تفکرات و تخیلات غیر عملی در شرایط موجود افغانستان شرم و ترس داشته باشیم. کمک کنیم افغانستان تغییر کند به پیشرفت و مدرنیته دست بیابد. برای این عبور هرکدام ما در فکر و عمل الزاماً باید به مدرنیته باورمند شویم.

استراتژی ما را باید رسیدن به پیشرفت عمومی، تعمیم و نهادینه شدن ارزشهای دموکراتیک و فراهم شدن زمینه های ضروری برای اعمار جامعه متمدن، دموکراتیک، پیشرفته و عادلانه، تشکیل بدهد. مردم ما می خواهند در نخست به صلح و امنیت و پس از آن به منابع و وسایلی که برای ادامه زندگی، توسعه و پیشرفت ضروری است، دسترسی داشته باشند. امکان پیشرفت و رشد انسان نمی تواند میسر گردد مگر اینکه انسان به غذا و مسکن، صحت و سلامتی، آموزش و پرورش و امکان حق تعیین سرنوشت خویش دسترسی داشته باشد. در غیر این صورت چگونه ممکن است که در کشور خون و آتش و خاکستر، انسان داغدار، گرسنه، معلول و مریض، بی سواد و سرانجام در بند سنت های خرافی نگاه داشته شده؛ بتواند به آرزوی خود که توسعه و پیشرفت، دولت مقتدر ملی و قانون محور است، نایل آید.

